

رخداد

دختر ۳ساله، قربانی توهم دایی

شیشه‌ای

● پلیس خبر: مرد معناد به شیشه پس از مصرف موادمخدر دچار توهم شد و خواهرزاده خود را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند.
سرهنگ ایوب احمدی جانشین فرماندهی انتظامی کرج با اعلام این خبر گفت: ظهر سه‌م بهمن در پی اعلام گزارش مرکز ۱۱۰ مبنی بر درگیری خانوادگی در ماهدشت کرج، پلیس بلافاصله به محل اعزام شد. وی افزود: بررسی‌های میدانی نشان داد، یوسف ۲۱ ساله وقتی با خواهرش خدیجه دعوا کرد با عصبانیت زیاد و در حالی که توهم مصرف شیشه داشت به سمت خواهرش حمله‌ور شد و وی را به باد کتک گرفت. خدیجه به سختی خودش را از زیر دست‌وپای برادرش نجات داد غافل از اینکه دختر سه ساله‌اش به نام عارفه در محل دعوا جا مانده است.
سرهنگ احمدی گفت: یوسف که کنترلی روی خشم خودش نداشت، وقتی خواهرش به صورت نیمه‌جان خود را نجات داد، با چاقو به جان عارفه کوچولو افتاد و وی را به قتل رساند. پلیس وقتی به صحنه رسید، عارفه، بی‌جان روی زمین افتاده بود و دایی جانیکار بالای سر جسد دستگیر شد و ادعا کرد هیچ جنایتی رخ نداده و خواهرزاده‌اش زنده است.

رسیدگی به پرونده مجری صداوسیمادر دیوانعالی کشور

● مهر: پرونده مجری صداوسسیما به علت اعتراض شاکي و متهم برای رسیدگی و صدور رای به دیوانعالی کشور ارسال شد.
چندی قبل دختر جوانی با مراجعه به دادگاه کیفری استان تهران مدعی شد از سوی یکی از مجریان صداوسیمما مورد آزاروادیت قرار گرفته است. متهم با حضور در دادگاه، ادعاهای دختر جوان را رد کرد. پس از رسیدگی به موضوع در شعبه ۷۸ دادگاه کیفری مجری معروف از اتهام زانی به عنف، تبرئه اما به علت بزهکاری در ملاقات با شاکي پیش از اجرای صیغه به تحمل ۸۰ضربه شلاق تعزیری محکوم شد.
پس از صدور رای، شاکي و متهم در مهلت قانونی به رای صادرشده اعتراض کردند که پرونده برای رسیدگی و صدور حکم نهایی به دیوانعالی فرستاده شد.

قتل مادر و خواهر برای ازدواج

● شرق: پسر جوانی که برای رسیدن به دختر موردعلاقش مادر و خواهرش را به قتل رسانده‌بود به زودی در دادگاه کیفری استان تهران مورد محاکمه قرار می‌گیرد.
به گزارش خبرنگار ما، یکسال پیش پسر جوانی در کرج از خانه بیرون آمد و در حالی‌که گریه می‌کرد فریاد زد، مادر و خواهرش کشته شده‌اند. بلافاصله همسایه‌ها به ماموران خبر دادند و تحقیقات آغاز شد. به دستور بازپرس، اجساد به پزشکی قانونی انتقال یافت و پسر جوان مورد بازجویی قرار گرفت. او به پلیس گفت: از سرکار به خانه برگشتم و وارد خانه شدم. صدایی در خانه نبود. فکر کردم مادر و خواهرم بیرون رفته‌اند، یکدفعه دیدم مادرم وسط پذیرایی افتاده و خون‌آلود است. به سمت اتاق رفتم تا دنبال خواهرم بگردم و دیدم خواهرم هم در اتاق خودش کشته شده‌است. گفته‌های این جوان در حالی بود که پلیس متوجه شد، هیچ‌چیز از خانه سرتفت نشده و وسایل به حالت عادی است. همچنین مشخص شد کسی به‌زور وارد خانه نشده و دو مقتول با کسی خصومت نداشت‌اند اما روی دست پسر جوان زخمی وجود داشت که پلیس را مظنون کرد. ماموران متوجه شدند این زخم بسیار تازه است و به نظر می‌رسد در حین درگیری اتفاق افتاده باشد؛ بنا بر این فرض به وی سوظن پیدا کردند. این جوان مورد بازجویی قرار گرفت. او که در برابر سوالات ماموران قرار گرفته‌بود، سرانجام تسلیم شد و گفت: یک سال بود که با دختر جوانی رابطه داشتم و او را خیلی دوست داشتم. رابطه ما کم‌کم عمیق شد و من تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. هیچ‌کس را به‌جز او نمی‌دیدم و دوست نداشتن زن دیگری به جز او را. زندگی‌ام باشد اما مادرم مخالف این ازدواج بود و می‌گفت باید همسر من را خودش انتخاب کند. من هزینه زندگی خواهر و مادرم را تأمین می‌کردم. توقع داشتم به قنقام احترام بگذارند اما مادرم حاضر نبود کوتاه بیاید تا اینکه تصمیم گرفتم دختر موردعراقام را به خانه بیاورم و مادرم با او صحبت کند. فکر می‌کردم با دیدن او همه‌چیز عوض و مادرم راضی می‌شود. با اینکه دختر موردعراقام رفتار خوبی داشت اما مادرم برخورد تندی با او کرد و گفت حاضر نیست با وی حرف بزند. رفتارش آن قدر توهین‌آمیز بود که خجالت کشیدم. مادرم به او گفت دست از سر زندگی ما بردار و بگذار بسرم برای خودش زندگی کند و او را سایمخت نکن. دیگر نتوانستم این حرفه‌اش را تحمل کنم و با آن دختر خانه را ترک کردم. او خیلی ناراحت شده‌بود اما به خاطر من چیزی نگفتم. روز حادثه بعد از کار به خانه رفتم. من و مادرم هر روز با هم بحث می‌کردیم و مادرم از من می‌خواست ارتباطم را با آن دختر قطع کنم. مرد جوان ادامه داد: وقتی مادرم دوباره به من گفت باید این رابطه را تمام کنم و هیچ‌وقت آن دختر را به عنوان عروشی قبول نمی‌کنم، عصبانی شدم. آن قدر که نتوانستم خودم را کنترل کنم و بعد از جروبحث با مادرم شانه‌دار قالی را برداشتم و چندضربه با آن به سر مادرم زدم. مادر قالیبافی می‌کرد و شانه متعلق به او بود. بعد از قتل مادرم، خواهرم از اتاق بیرون آمد. او صدای ما را شنیده و در آستانه در اتاق ایستاده بود و داشت به‌تدرت ما را نگاه می‌کرد که به سمتش حمله کردم و چندین ضربه به هم و زدم و خواهرم کعب را از دست داد. می‌دانستم بازداشت می‌شوم و چاره‌ای به جز دروغ‌گویی نداشتم، به همین دلیل هم مدعی شدم چند نفر به خانه ما حمله کرده‌اند. بعد از پایان جلسه بازجویی و تکمیل تحقیقات پرونده، مردجوان با صدور کیفرخواست به اتهام دو فقره قتل، برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

شرق: تحقیقات ماموران پلیس در مورد مرگ مشکوک دختری که موردتعرض چند جوان ثروتمند قرار گرفته‌بود در حالی در دستور کار قرار دارد که خانواده وی مدعی هستند این دختر خودکشی کرده‌است.

به گزارش خبرنگار ما، دختر جوانی ههفته پیش به همراه مادرش به پلیس تهران مراجعه کرد و گفت توسط چهارجوان مورد آزارجنسی قرارگرفته‌است. این دختر ۲۰ساله به پلیس گفت: شب گذشته در باشگاه ورزشی با چنددختر آشنا شدم که مدتی بود آنها را در باشگاه می‌دیدم. آنها به من گفتند در خانه‌شان میهمانی دارند و از من هم دعوت کردند در این میهمانی شرکت کنم. بعد از باشگاه به خانه آمدم و لباس‌هایم را پوشیدم و به آدرسی که داشتم رفتم. خانه بزرگی در بالای شهر تهران بود و میهمانان زیادی حضور داشتند. چندین پسر هم در آن میهمانی بودند. آنها به من نوشیدنی تعارف کردند و من برداشتم. یکدفعه احساس کردم بدنم بی‌حس شد. اصلا متوجه نبودم چه اتفاقی افتاده‌است. وقتی به حالت عادی برگشتم، فهمیدم چهار پسر جوانی که در آن میهمانی بودند من را مورد آزار قرار داده‌اند. خیلی حال بدی داشتم و حتی نمی‌توانستم روی پاهایم

شرق: پرونده زنی که متهم است شوهر صیغه‌ای خود را با خوراندن قرص برنج به قتل رسانده در اختیار قضات دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت.
زن جوانی روز ۳۰ تیر امسال به پلیس آگاهی تهران رفت و خبر داد شوهرش به نام مجید مفقود شده است. او گفت: «من همه‌جا را دنبال شوهرم گشته اما اثری از او پیدا نکردام. هیچ‌یک از اقوام و دوستان مجید هم از او خبری ندارند.»
کارآگاهان بعد از آنکه مشخصات مجید را ثبت کردند، برای یافتن سرنخی از این مرد به تحقیق پرداختند اما ردی از او به دست نیاوردند تا اینکه از طریق ردیابی‌های تلفنی فهمیدند او با زنی ۴۰ ساله به نام سارا در ارتباط بود. به همین‌دلیل سارا بازداشت شد. او مجید را به عنوان شوهر صیغه‌ای خود معرفی کرد، اما گفت هیچ خبری از سرنوشت وی ندارد. سارا گفت: «من راننده تاکسی بانوان بودم اما بعد از مدتی تصمیم گرفتم مغازه‌ای را اجاره کنم و شغل دیگری را راه بیندازم، برای همین به چند بنگاه سر زدم. روزی که برای دیدن مغازه‌ای رفته بودم با مجید آشنا شدم. او هم آمده بود تا همان مغازه را برای اجاره بازدید کند. مجید با چرب‌زبانی سر صحبت را باز کرد و شماره و شماره را از من گرفت.»
زن میانسال ادامه داد: «مجید به من گفت به دلیل اختلافاتی که با همسر و فرزندانش دارد آنها را ترک کرده است. مجید با حرفه‌های اغفال‌کننده مرا فریب داد و ما عقد موقت کردیم اما بعد از مدتی متوجه شدم خلاف‌ادعایش با همسرش زندگی می‌کند. مجید به موادمخدر اعتیاد داشت و مرد بسیار بداخلاقی بود. او روزی که ناپدید شد اول به خانه من

بایستم؛ وقتی اعتراض کردم که چرا این‌کار را با من کردند و تهدید کردم شکایت می‌کنم، مسخرهام کردند و گفتند خانواده‌هایی ثروتمند دارند و من هیچ‌کاری نمی‌توانم انجام بدهم.
دختر جوان به پزشکی‌قانونی منتقل شد تا در مورد ادعای تجاوز مورد معاینه قرار گیرد. همچنین ماموران موظف شدند متهمان را شناسایی و بازداشت کنند. بعد از اینکه پزشکی‌قانونی نظر خود را اعلام کرد، پرونده با توجه به مطرح شدن ادعای تجاوز به شعبه ۷۸ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. هیات قضات این شعبه به ریاست قاضی باقری تشکیل جلسه دادند تا پرونده را مورد بررسی قرار دهند. آنها با بررسی نظریه پزشکی‌قانونی متوجه شدند ادعای دخترجوان مبنی بر تجاوز، موردتأیید قرار گرفته است. وقتی دستور بازداشت چهار مرد جوان و دخترانی که شاکي را اغفال کرده‌بودند، صادر شد پلیس به محل رفت و تحقیقات خود را آغاز کرد. ماموران متوجه شدند جوانی که در خانه ویلایی بالای شهر تهران جمع شده بودند، همگی از خانواده‌های بسیار ثروتمند تهرانی بودند که آن‌خانه را با مبلغ بسیار گزافی اجاره کرده و تاکنون چندین پارتی

حوادث

خودکشی دختر جوان بعد از تعرض در میهمانی شبانه

در آنجا بر گزار کرده‌اند. ماموران موفق شدند سهرن‌افز چهارمرد جوان را بازداشت کنند اما باوجود صدور حکم بازداشت، سه دختر و یک پسر جوان دیگر آنها توانستند متواری شوند.
وقتی سه‌مرد جوان از سوی شعبه ۷۸ مورد بازجویی قرارگرفتند مدعی شدند دختر شاکي خودش به برقراری رابطه با آنها تمایل داشت. یکی از این پسران گفت: ما به او پیشنهاد دادیم و او هم قبول کرد. این دختر، معناد به انواع مواد مخدر است و آن روز هم مقدار زیادی مواد استفاده کرده‌بود و در حالی‌که نشته بود با ما رابطه برقرار کرد اما حالا که متوجه شده خانواده‌ای ثروتمند داریم، قصد دارد با این شکایت از ما پول بگیرد.

دختر جوان این ادعا را رد کرد و گفت حاضر است پزشکی‌قانونی متوجه شدند ادعای دخترجوان مبنی بر تجاوز، موردتأیید قرار گرفته است. وقتی دستور بازداشت چهار مرد جوان و دخترانی که شاکي را اغفال کرده‌بودند، صادر شد پلیس به محل رفت و تحقیقات خود را آغاز کرد. ماموران متوجه شدند جوانی که در خانه ویلایی بالای شهر تهران جمع شده بودند، همگی از خانواده‌های بسیار ثروتمند تهرانی بودند که آن‌خانه را با مبلغ بسیار گزافی اجاره کرده و تاکنون چندین پارتی

دخترش خودکشی کرده و پرونده در دادرای جنایی تهران در حال رسیدگی است.
در حالی‌که پرونده تجاوز به دختر جوان در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی می‌شود، پرونده مرگ مشکوک این دختر نیز در اداره آگاهی تهران در حال بررسی است. زمانی که مادر این دختر به پلیس خبر داد که دخترش خودکشی کرده، یک‌هفته از شکایت او مبنی بر تجاوز می‌گذشت. این زن به ماموران گفت دخترش خود را از پشت‌بام خانه به پایین پرت کرده‌است. او گفت: از وقتی دخترم موردتجاوز قرارگرفت وضعیت روحی خوبی نداشت و گفته‌های تحقیرآمیز این پسران هم به شدت وضعیت او را به هم ریخت؛ البته من و پدرش فکر نمی‌کردیم او خودکشی کند، شب حادثه تصور می‌کردیم در اتاقش است که صابایی مهیب را شنیدیم. بیرون رفتم و متوجه شدم دخترم خودش را از پشت‌بام به حیاط پرت کرده‌است.
پلیس با توجه به شکایت قبلی دخترجوان تحقیقات ویژه‌ای را درخصوص مرگ مشکوک او آغاز کرده و پرونده تجاوز نیز همچنان در شعبه ۷۸ دادگاه کیفری استان تهران در حال رسیدگی است.

آبی در جنوب تهران پیدا و به پزشکی قانونی منتقل شد. کارآگاهان که احتمال می‌دادند جسد متعلق به مجید باشد خانواده او را در جریان قرار دادند. همسر مجید بعد از دیدن جنازه او را شناسایی کرد و به این ترتیب پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. متخصصان پزشکی قانونی بعد از انجام آزمایش‌های اولیه اعلام کردند که مجید با سمی مهلک به قتل رسیده است. اعلام این نظریه سبب شد افسران جنایی باردیگر سارا را بازداشت کنند. این زن بعد از چند جلسه بازجویی به قتل همسرش اقرار کرد و گفت: «مجید به موادمخدر اعتیاد داشت و همیشه من را مجبور می‌کرد برایش مواد بخرم. من از این کار متفرع بودم اما مجید به حرفه‌ایم هیچ توجهی نداشت. او می‌گفت اگر خودش به تنهایی برای خرید مواد برود به وی شک می‌کنند ولی اگر من همراهش باشم کسی او را دستگیر نمی‌کند. آخرین روز هم مجبورم کرد برای خرید مواد همراهش بروم. من که از ایسن کار بیزار بودم دو قرص برنج خریدم و در داروی تقویتی مجید حل کردم و وقتی برای قدم زدن به پارک رفتمیم سم را به او دادم، بعد سوار ماشین شدیم تا به خانه برگردیم اما در بین راه بدحال شد و من که نگران شده بودم او را به بیمارستان بردم به این امید که نجات پیدا کند. در آنجا به مجید سره زدن و بعد مرخصش کردند اما حال مجید خوب نشد و بالاخره جانش را از دست داد. من هم جسد را به کهریزک بردم و در کانال آب انداختم.»

پرونده این زن بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی روزگذشته به شعبه۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع داده شد.



عکس: محمدعلی قزلباش

برگشت و سپس هر دو نفر سوار ماشین شدند و از محل فرار کردند؛ من نیز به قصد تعقیب آنها، پشت فرمان ماشین برادرم نشستم اما در زمان حرکت برادرم را دیدم که روی زمین افتاده و غرق خون بود. بلافاصله توقف کردم و با فریاد از مردم کمک خواستم و با کمک چند نفر، برادرم را داخل ماشین گذاشتم و به بیمارستان رفتم. اما در آنجا به ما اعلام شد برادرم فوت کرده است.»

کارآگاهان که شماره پلاک خودرو متهمان را در اختیار داشتند، مالک آن را شناسایی کردند و این مرد گفت خودرو را برای پسرش به نام مرتضی خریده است. پدر مرتضی گفت: «مرتضی مدتی پیش، با دختر جوانی به نام لیلا آشنا شد اما زمانی که با مخالفت من و مادرش برای ازدواج روبه‌رو شد با پرایدی که برایش خریده بودم از خانه خارج شد و از آن زمان ما دیگر اطلاعی از وی نداریم.»

کارآگاهان در ادامه اطلاع پیدا کردند مرتضی، دوستی به نام «محمدرضا» دارد و آن دو بیشتر اوقات خود را با یکدیگر سپری می‌کنند. با شناسایی هویت دقیق محمدرضا و محل سکونت وی در نزدیکی محل جنایت این احتمال مطرح شد که محمدرضا همان سرنشین صندلی عقب خودرو پراید است.

با توجه به اطلاعات و تصاویر به دست آمده از «مرتضی» و «محمدرضا» به برادر مقتول نشان داده شد و او نیز هر دو نفر آنها را مورد شناسایی قرار داد.

سرانجام در پی اقدامات پلیسی، «محمدرضا» چند روز قبل دستگیر شد و ضربه‌ای به سمت او پرتاب کرد و بلافاصله از مرتضی خواستم سوار ماشین شویم تا او محل فرار کنیم.»

بنا بر این گزارش در حال حاضر تحقیقات پیرامون این پرونده ادامه دارد.



محموله دوتنی مواد شیمیایی و پیش‌ساز مواد محترقه و مقدار قابل توجهی ترقه دست‌ساز، دقایقی پیش از انفجار کشف شد. آتش‌نشنان بعد از اعلام گزارشی مبنی بر شنیدن صدای انفجار به کارگاه متروکه‌ای در حوالی بزرگراه رسالت رفتند. در ضلع‌جنوبی این کارگاه اتاقی به مساحت ۳۰مترمربع ملو از کارتن، مواد محترقه و پلاستیکی دیده می‌شد که دچار آتش‌سوزی شده بود. آتش‌نشنان پس از قطع برق و گاز ساختمان اقدام به خاموش کردن شعله‌های آتش کردند. آنها در پایان عملیات با صحنه خطرناکی روبه‌رو شدند و دیدند در زیرزمین این مکان انبار بزرگی از مواد محترقه وجود دارد. ۲۰ کارگری که در این کارگاه مشغول کار بودند با شروع آتش‌سوزی همگی از محل حادثه متواری شدند.

قتل شوهر صیغه‌ای با قرص برنج



عکس: مهر

آمد و مواد مصرف کرد. بعد هم بدون اینکه توضیح خاصی بدهد، رفت.»

ماموران بعد از شنیدن حرفه‌های سارا از آنجا که مدرکی علیه وی وجود نداشت او را آزاد کردند و جست‌وجوها را برای یافتن ردی از مرد گمشده از سر گرفتند تا اینکه ۲۶ مهر جنازه مرد ناشناسی داخل جوی

قتل در هواداری از دوست صمیمی

شرق: جوانی که به هواداری از دوست صمیمی خود مرتکب قتل شده بود به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۹ آذر وقوع درگیری در خانی‌آباد از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام و با حضور ماموران مشخص شد جوانی ۳۰ ساله به نام «علی‌اصغر» در درگیری با سرنشین راننده خودرو پراید سفیدرنگی به وسیله ضربه چاقو از ناحیه گردن مصدوم و در بیمارستان فوت شده است.

برادر علی‌اصغر که در صحنه درگیری حضور داشت، در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «سر کوچه ایستاده بودم که برادرم برای خرید میوه آمد علی‌اصغر در حال سلام و احوالپرسی با دوستش بود که پراید سفیدی با دو سرنشین دختر و پسر، لحظه‌ای در برابر ما توقف کرد. ابتدا تصور کردم راننده پراید یکی از دوستانم به نام فرهاد است اما وقتی جلوتر رفتم، متوجه شدم فرهاد نیست؛ در این موقع برادرم از راننده عذرخواهی کرد اما راننده پراید از ما پرسید «به کی می‌خندید؟» و برادرم مجددا دوباره عذرخواهی کرد و راننده پراید نیز رفت.»

برادر مقتول ادامه داد: «هنوز دقایقی از این موضوع نگذشته بود، همان پراید مجددا برگشت. این بار یک مرد جوان نیز در صندلی عقب آن نشسته بود سرنشین عقب پراید از ماشین پیاده شد و به سمت برادرم رفت در یک لحظه من متوجه راننده پراید شدم که حین پیاده‌شدن از ماشین، قصد داشت چاقویی را از غلاف خارج کند به سمت او رفتم و دستش را گرفتم اما وی با دست دیگرش چاقو را از غلاف خارج و به سمت من پرتاب کرد که مجبور شدم دستش را رها کنم او چند بار چاقو را به سمت گردنم نشانه رفت در این زمان، فردی که به سمت برادرم رفته بود، به سرعت به ماشین

پنج‌قاره

مردان مسلح ۹ فیلیپینی را کشتند

● آسوشیتدپرس: چند مرد مسلح در حمله‌ای

غافلگیرانه به کامیون حامل ماموران پلیس و نگهبانان روستایی در مرکز فیلیپین، ۹ نفر را کشتند. در این حمله، یک افسر پلیس و هشت نفر دیگر که عمدتا محافظان روستایی بودند به ضرب گلوله این مردان مسلح و ناشناس کشته شدند. مردان ناشناس، کامیون قربانیان را پیش از سپیده‌دم دیروز در شهر «لا کاستالنا» در استان «گروس» به رگبار گلوله بستند. دو پلیس دیگر نیز در این حادثه مجروح شدند. مقامات پلیس این کشور در تلاش برای کشف انگیزه این جنایت و عاملان آن هستند.

دستگیری اعضای باند پول‌شویی

● یورونیوز: پلیس اسپانیا از دستگیری چهارنفر از اعضای گروه مالیایی پول‌شویی خبر داد. این متهمان در عملیات پلیس اسپانیا علیه گروه مالیایی «گروس» در ایالت «کاتالونیا» بازداشت شدند. در میان بازداشت‌شدگان «اندری پتروف»، رییس یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های غیرقانونی دیده می‌شود. این گروه متهم است که حدود ۵۰ میلیون یورو پول به‌دست آمده از راه‌های غیرقانونی را در اسپانیا پول‌شویی کرده است.

رائش زمین قربانی گرفت

● آسوشیتدپرس: رانش زمین در پی بارندگی شدید و سیل‌آسا در نواحی غربی اندونزی به مرگ حداقل چهارروستایی و مفقود شدن ۱۸ نفر دیگر در این منطقه منجر شد. ریزش حجم زیادی از گِل‌وای سنگ و کلوخ از اطراف تپه‌ها در هنگام سپیددم در روستای «تاجونگ سانی» واقع در استان غربی «سوماترا» حداقل ۲۰ خانه را تخریب کرد. نیروهای امدادرسان در تلاش برای پیدا کردن ۱۸ نفر دیگری هستند که احتمالا زیر گِل‌وای دفن شده‌اند.

حادثه‌ها

مرد معناد مادرش را کشت

● شرق: مردی که مادرش را با ضربات چاقوی آشپزخانه از پای درآورده بود دستگیر شد.
ماموران پلیس شهریار در اولین روز بهمن‌ماه در جریان وقوع نزاع منجر به قتل در منزلی مسکونی قرار گرفتند و با حضور در محل حادثه با پیکرخونین زنی حدودا ۴۰ساله روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد جسمی برنده به قتل رسیده بود. تحقیقات اولیه کارآگاهان نشان داد این فرد پیش از بهقتل رسیدن با پسر ۳۳ساله‌اش به نام ابوالفضل دچار درگیری شده بود. کارآگاهان همچنین پی‌بردند ابوالفضل مدتی است که به شیشه اعتیاد دارد. ابوالفضل سرانجام دستگیر شد و به قتل مادرش با ضربات متعدد چاقو اعتراف کرد و گفت که روز حادثه پس از استسعال موادمخدر به منزل مادرش رفت و در آنجا بر سر موضوعی کوچک درگیری لفظی پیدا کردند و او که در حالت طبیعی نبود با برداشتن چاقویی به زندگی مادر خود پایان داد.

خون، سارق را به تله انداخت

● پلیس‌خبر: خون به جای‌مانده از سارق در صحنه جرم، موجب کشف سرفت مغازه موایبل فروشی و کشف اموال مسروقه شد.
فرمانده انتظامی شهرستان بردسکن گفت: ماموران روز شنبه با اطلاع پلیس از سرسقت مغازه موایبل‌فروشی به محل اعزام شدند. سرهنگ «حیدر مرزبان» افزود: افسران پلیس آگاهی با بررسی صحنه جرم از قطرات خون سارق در محل سرفت نمونه‌برداری کردند و پس از انجام تحقیقات پلیسی، متهم را شناسایی و وی را دستگیر کردند. سرهنگ مرزبان تصریح کرد: متهم در بازجویی‌های بعمل‌آمده به سرسقت از مغازه موایبل‌فروشی و چندفقره سرفت دیگر اعتراف کرد و با تشکیل پرونده به مقامات قضایی معرفی شد.

کلاهبرداری از ۲۸ بازاری

● پلیس‌خبر: رییس پلیس آگاهی استان همدان از دستگیری دو متهم که ۴۰۰میلیون‌ریال از ۲۸ نفر کلاهبرداری کرده بودند خبر داد. سرهنگ «فرامرز به‌گنژ» با بیان این مطلب گفت: پس از شکایت ۲۸ نفر از کسبه بازار همدان از قفردی مبنی بر کلاهبرداری و عدم وصول چک‌های ارایه شده، دایره عملیات‌ویژه پلیس آگاهی استان همدان وارد عمل شد و کلاهبردار متواری تحت‌تعقیب قرار گرفت. وی در ادامه گفت: پس از تحقیقات به عمل آمده هویت و محل زندگی کلاهبردار و همدستش فاش و آن دو دستگیر و روانه زندان شدند. سرهنگ به‌گنژ در مورد چگونگی این کلاهبرداری گفت: متهمان، دفتر بازرگانی تأسیس کرده بودند و خریدوفروش مواد غذایی انجام می‌دادند. آنها در ابتدا با خوش‌حسابی اعتماد کسبه بازار را به خود جلب و در مراحل بعدی با خرید اجناس با ارزش ریالی بالا این شبه‌دفتر را تخلیه کردند و متواری شدند.

کلاهبردار پیامکی دستگیر شد

● شرق: کلاهبردار پیامکی ۳۵ میلیون‌تومانی در شهرستان مهاباد دستگیر شد.
ماموران پلیس آگاهی مهاباد با کسب اخبار و اطلاعات موثقی مبنی بر اینکه تعداد زیادی کارت‌شارژ تلفن‌همراه با زیر قیمت در بازار پخش شده است، به موضوع مظنون شدند و رسیدگی به آن را در دستور کار خود قرار دادند. آنها با پی‌بردن به این مطلب که کارت‌شارژهای مذکور توسط یکی از کلاهبرداران حرفه‌ای به بازاریان فروخته شده است، در صد دستگیری متهم برآمدند و در خلال تحقیقات متوجه شدند این متهم اخیرا به اتهام کلاهبرداری توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شده است. متهم با هماهنگی قضایی از زندان به پلیس آگاهی مهاباد منتقل شد و اعتراف کرد تاکنون مبلغ ۳۵میلیون‌تومان کلاهبرداری کرده است. او توضیح داد با ارسال پیامکی به شهرستان در سراسر کشور با این متن که «مشتربک گرامی شما در قرعه‌کشی طرح نوید با طرح ثامن برنده مبلغ یکمیلیون‌تومان شده‌اید و به‌تاری دریافت مبلغ موردنظر شماره‌کارت عابرانکارت و رمز دوم آن را به شماره شرکت ارسال نمایید.»اطلاعات عابر بانک افراد را به‌دست می‌آورد و با خرید شارژ همراه اول و ایرانسل حساب آنها را تخلیه می‌کرد. بنا به اعلام اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی آذربایجان‌غربی، مالی‌اخذگان در استان‌های تهران، اصفهان، قزوین، خراسان‌رضوی، چهارمحال‌و‌بختیاری و زنجان سکونت دارند.

بریده اخبار

جریان برق، سارق سیم‌های برق را در شهرستان شازند استان مرکزی به کام مرگ فرستاد.
پلیس فتای استان گلستان درباره شیوه جدید کلاهبرداری تحت عنوان «برنده شدن در مسابقه اینترنتی» به شهروندان هشدار داد.
پسرپچه‌ای ۱۱ساله با حضور به موقع آتش‌نشنان تهرانی از درون چاه شش‌متری نجات پیدا کرد.
امدادگران پس از سه ساعت عملیات، مرد ۵۳ ساله‌ای را که در محل صعب‌العبور در ارتفاعات سولقان گرفتار شده بود، نجات دادند.